

Conceptualizing the name of the map “The Hereafter is the Court” Based on the conceptual metaphor theory of Lakoff and Johnson

Zeinab feizi¹

Hossein mohtadi²

Seid heidar farie shirazi³

Abstract

Conceptual metaphor in the approach of cognitive semantics, which is a branch of cognitive linguistics, is one of the main mechanisms of the thought process and is a tool for expressing abstract concepts in the form of objective and tangible concepts. One of the applications of conceptual metaphors is their use as a tool for analysis and worldview of texts, especially religious and Quranic texts. The Holy Qur'an, with its metaphorical nature, has presented to humanity a very complex concepts of the unseen and abstract things, such as the abstract concept of the Hereafter, in a simple, recognizable and tangible language. This letter is one of the most suitable metaphorical patterns to depict the resurrection, which is one of the places of the great resurrection of the Hereafter. Mapping the source domain to the destination domain forms the main framework of the present study. This research intends to conceptualize the concept of “the hereafter is a court” with a descriptive-analytical approach and based on Lakoff and Johnson’s conceptual metaphor theory, and examines the systematic correspondences between familiar and tangible concepts of origin and abstract and transcendental concepts of the afterlife. It is unknown to explain the correspondences between the structural elements of the territory of origin and destination. One of the most important findings of this study is to identify systematic correspondences between the two domains of the “hereafter” which is the domain of “destination” and the domain of “court” which is the domain of “origin” and this is another confirmation of the miracle of the Holy Quran. It is interconnected and cohesive.

Keywords: Conceptual metaphor, letter writing, afterlife, court.

1) Master student of Arabic language and literature at Persian Gulf University feizy63@gmail.com

2) Associate Professor of Arabic Language and Literature Department, Persian Gulf University, (The Corresponding Author) mohtadi@pgu.ac.ir

3) Associate Professor of Arabic Language and Literature Department, Persian Gulf University, shirazi@pgu.ac.ir



DOR: 20.1001.1.26455714.1399.4.1.9.2

مفهوم‌سازی نام‌نگاشت «حیات آخرت دادگاه‌است» در قرآن بر اساس نظریه استعاره مفهومی لیکاف و جانسن

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۱۸)

زینب فیضی^۱
حسین مهتدی^۲
سید حیدر فرع شیرازی^۳

سال چهارم
شماره اول
پیاپی: ۷
پاییز و زمستان
۱۳۹۹

چکیده

استعاره مفهومی در رویکرد معنی‌شناسی شناختی که از شاخه‌های زبان‌شناسی شناختی است از ساز و کارهای اصلی فرآیند تفکر است و ابزاری برای بیان مفاهیم انتزاعی در قالب مفاهیم عینی و ملموس به شمار می‌رود. از کاربردهای استعاره‌های مفهومی استفاده از آن‌ها به عنوان ابزاری برای تحلیل و جهان‌بینی متون مخصوصاً متون مذهبی و قرآنی است. قرآن کریم با سرشت استعاری خود با ابزار استعاره مفهومی مفاهیم بسیار پیچیده از امور غیبی و مجردات مانند مفهوم انتزاعی حیات آخرت را با زبانی ساده و قابل شناخت و ملموس به بشریت عرضه کرده است. نام‌نگاشت «آخرت دادگاه‌است» از الگوهای استعاری بسیار مناسب برای به تصویر کشیدن قیامت که از منزل‌گاه‌های رستاخیز بزرگ آخرت است می‌باشد. نگاشت حوزه مبدأ به حوزه مقصد چارچوب اصلی پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهد. این پژوهش بر آن است با رویکرد توصیفی-تحلیلی و بر اساس نظریه استعاره مفهومی لیکاف و جانسن به مفهوم‌سازی نام‌نگاشت «آخرت دادگاه‌است» بپردازد و با بررسی تناظرهای نظام‌مند میان مفاهیم مأنوس و ملموس حوزه مبدأ و مفاهیم انتزاعی و فرامادی جهان بزرگ آخرت که اعماش ناپیدا و ناشناخته است نگاشت‌های بین عناصر سازه‌های قلمروی مبدأ و مقصد را تبیین نماید. از مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش شناسایی تناظرهای نظام‌مند میان دو حوزه «آخرت» که حوزه «مقصد» و حوزه «دادگاه» که حوزه «مبدأ» است می‌باشد و این خود تأییدی دیگر بر اعجاز قرآن کریم در بهره‌مندی از نظام مفهومی کاملاً ساختارمند و هماهنگ و به هم پیوسته و منسجم است.

واژگان کلیدی: استعاره مفهومی، نام‌نگاشت، قرآن کریم، حیات آخرت، دادگاه.

(۱) دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران feizy63@gmail.com
(۲) دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران (نویسنده مسئول) mohtadi@pgu.ac.ir
(۳) دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران shirazi@pgu.ac.ir

۱- مقدمه

در چشم‌انداز جدید علوم شناختی و در سایه مطالعات زبان‌شناسی شناختی استعاره به عنوان جزء اساسی تفکر بشری و یکی از ابعاد بنیادی آن در نظر گرفته شده است. در این رویکرد جدید که اولین بار توسط لیکاف و جانسن مطرح شد استعاره مقوله‌ای ذهنیست و در اصل جنبه مفهومی دارد. استعاره در رویکرد جدید استعاره مفهومی نامیده می‌شود.

استعاره مفهومی در چند دهه اخیر توجه بسیاری از اندیشمندان در علوم مختلف را به خود جلب کرده است. در زبان‌شناسی شناختی محدوده استعاره از سطح زبان به مفاهیم ذهنی رسیده و با استعاره مفهومی شناخت مفاهیم مجرد و انتزاعی از طریق مفاهیم ملموس و عینی و مادی هموار می‌شود و نگاه به استعاره از ابزاری بلاغی برای آراستن زبان، به قالبی انتزاعی و ذهنی برای گفتار و تفکر انسان تحول می‌یابد. استفاده از مطالعات زبان‌شناسی شناختی در باب استعاره مفهومی در شناخت و فهم متون دینی موثر است؛ چنان‌که پل ریکور در این باره می‌گوید: متون دینی و مذهبی سرشار از استعاره هستند و اگر بخواهیم زبان دین را بهتر بفهمیم باید به شیوه استعاری توجه داشته باشیم. (ریکور، ۱۳۸۶ش: ۸۳)

قرآن کریم به عنوان یکی از متون دینی برجسته معارف عظیمی را به بشر عرضه کرده است. در این کتاب آسمانی از مفاهیم موجود در حوزه‌های محسوس و ملموس برای مفهوم سازی مفاهیم انتزاعی و ماورائی مانند آخرت و مرگ و بهشت و... بهره گرفته شده است. به این ترتیب که با برقراری روابط متناظر میان مؤلفه‌های حوزه محسوس و حوزه انتزاعی و ناملموس مفاهیم موجود در قلمروی عینی و ملموس بر مفاهیم فرامادی قلمروی انتزاعی نگاشت می‌شود. یعنی همان ساز و کاری که موجب ساخت استعاره مفهومی می‌شود و با فرایند مفهوم‌سازی ضمن تعیین قلمروی مبدأ و مقصد ویژگی‌های مشترک دو حوزه یافت می‌شود و تا حد امکان سیر حرکت ذهن از مبدأ به مقصد مشخص می‌شود. به بیان واضح‌تر میتوان گفت: در استعاره مفهومی یک قلمروی تجربی به صورت تقریبی بر قلمروی دیگر نگاشت می‌شود به گونه‌ای که قلمروی دوم تا حدودی از راه قلمروی اول درک می‌شود. قلمرویی که نگاشت می‌شود قلمروی مبدأ یا دهنده و قلمرویی که بر آن نگاشت صورت می‌گیرد قلمروی مقصد یا گیرنده نام دارد. (Barcelona, ۲۰۰۳: ۹).

یکی از مفاهیم انتزاعی و مجرد که در قرآن کریم با مفاهیم عینی و تجربی مفهوم‌سازی شده است حیات آخرت است. در این کتاب آسمانی استعاره‌های مفهومی به صورت کاملاً خلاقانه و گسترده به خدمت گرفته شده‌اند و مفاهیم معنوی جهان پس از مرگ با نام‌نگاشت‌های استعاری مخاطب خود را در جهت رسیدن به سعادت اخروی یاری

میرسانند. قرآن کریم با تبیین حیات اخروی که ماهیتی تجربه ناپذیر دارد در ساختار مادی دادگاه تحولی عظیم در اندیشه بشری ایجاد می‌کند و مبانی راکه مخاطب قرآنی برای درک جهان بینی الهی و حیات پس از مرگ به دنبال آن است به شیوه‌ای منسجم و ساختارمند ارائه می‌دهد.

۱-۱- سؤالات پژوهش

پژوهش حاضر بر آن است به سؤالات زیر پاسخ دهد:

- حوزه‌های مبدأ و مقصد در نام‌نگاشت «آخرت دادگاه است» کدامند؟
- در نام‌نگاشت «آخرت دادگاه است» نگاهت مفاهیم حوزه مبدأ بر حوزه مقصد چگونه است؟
- تناظرهای نظام‌مند میان مفاهیم حوزه مبدأ و مقصد در نام‌نگاشت «آخرت دادگاه است» کدامند؟

۲-۱- پیشینه تحقیق

با توجه به جستجوهای که درباره پیشینه این پژوهش در منابع متعدد صورت گرفته در حوزه استعاره مفهومی کتب و پایان‌نامه و مقالاتی نوشته شده است که با توجه به رویکرد مقاله حاضر به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

- کتاب «استعاره‌های مفهومی و فضا‌های قرآن» سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی تهران به قلم علیرضا قائمی‌نیا (۱۳۹۶ ش). نگارنده این اثر با تحلیل نظریه استعاره مفهومی به کاربست‌های قرآنی نظریه پرداخته و در این زمینه به دستاوردهای جدیدی دست یافته است.

- کتاب «داد یا دادگاه قیامت» انتشارات اکرام اثر رضا محققیان (۱۳۸۹ ش) که در آن نویسنده به توصیف قیامت در ساختار دادگاه می‌پردازد.

- مقاله «بررسی استعاره‌های شناختی در حوزه زندگی دنیوی و اخروی در زبان قرآن «استعاره عام مقصود مقصد است» اثر مرتضی قائمی و اختر ذوالفقاری (۱۳۹۵ ش) دو فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن که به بررسی زبان‌شناختی استعاره عام «مقصود مقصد است» در زمینه زندگی دنیوی و اخروی می‌پردازد.

- مقاله «نام‌نگاشت‌های حیات آخرت در قرآن کریم در پرتو نظریه استعاره مفهومی» اثر زینب فیضی و حسین مهتدی و سید حیدر فرع شیرازی (۱۳۹۹ ش) فصلنامه علمی پژوهش‌های ادبی-قرآنی (دانشگاه اراک). این مقاله به بررسی نام‌نگاشت‌های «آخرت مزرعه است» و «آخرت بهتر است» و «آخرت خانه است» در قرآن کریم می‌پردازد.

با توجه به پژوهش‌های ذکر شده پژوهش مستقلی درباره مفهوم سازی نام نگاشت «آخرت دادگاه است» بر اساس نظریه استعاره مفهومی لیکاف و جانسن تاکنون انجام نشده است؛ به همین خاطر این نخستین پژوهشی است که در این زمینه نگاشته شده است.

۲- چارچوب نظری پژوهش

۲-۱- تعریف استعاره مفهومی

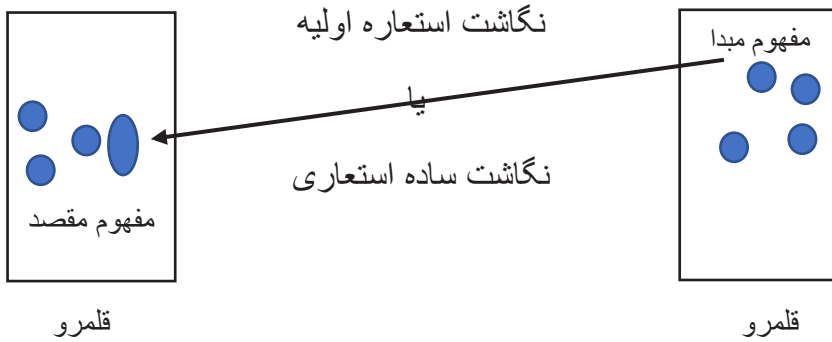
استعاره مفهومی درک و تجربه کردن چیزی بر اساس چیز دیگری است. (Lakoff & Johnson, ۲۰۰۳: ۵) «از دیدگاه زبان‌شناسی شناختی، استعاره عبارت است از درک یک حوزه مفهومی در قالب حوزه مفهومی دیگر. در واقع استعاره مفهومی از دو حوزه مفهومی تشکیل می‌شود که در آن یک حوزه در چارچوب حوزه دیگر درک می‌شود.» (Kövecses, ۲۰۱۰: ۴) استعاره مفهومی یک پدیده زبانی ناشی از روند جایگزینی نیست بلکه یک فرآیند شناختی پنهان در ذهن است. ذات و جوهر استعاره مفهومی ذهن و شناخت است نه زبان و پدیده‌ای نیست که تنها مورد استفاده ادبا و شعرا باشد؛ بلکه پدیده‌های مشترک میان همه انسانها است و مورد استفاده عالم و جاهل، خواص و عوام و حتی اطفال است. (البوعمرانی، ۲۰۰۹م: ۱۲۳)

۲-۲- مؤلفه های استعاره مفهومی

برخی از مؤلفه‌های استعاره مفهومی نگاشت و حوزه مبدأ و حوزه مقصد هستند. (کوچس، ۱۳۸۴ش: ۲۱-۲۲) که با توجه به نیاز پژوهش حاضر به تعریف و توضیح آنها پرداخته می‌شود.

۲-۲-۱- نگاشت

نگاشت انطباق استعاری میان مفاهیم مرتبط است و نمایانگر ایجاد تناظر بین مفاهیمی است که ارتباط نزدیکی با هم دارند. مطابق با تعریف نگاشت رابطهای میان دو حوزه مفهومی برقرار می‌گردد و الگویی از یک حوزه بر حوزه دیگر منطبق می‌شود و حوزه‌های غیرعینی قابل فهم می‌شوند. (Grady, ۲۰۰۷: ۱۹۰) کوچس در تعریف نگاشت می‌گوید «مجموعه‌ای از تناظرهای نظام‌مند میان مبدأ و مقصد وجود دارند که عناصر مفهومی سازه‌ای حوزه را بر عناصر سازه‌ای حوزه الف منطبق می‌کنند. به این تناظرهای مفهومی در بیان فنی نگاشت «انطباق» گفته می‌شود.» (Kövecses, ۲۰۱۰: ۷)



«نمودار نگاشت استعاره اولیه» (Evans & Green, ۲۰۰۶: ۳۰۸).

۲-۲-۲- نام نگاشت

اصطلاح دیگری که در کنار مفهوم نگاشت باید به تعریف آن پردازیم «نام نگاشت» است. لیکاف و جانسن برای نام گذاری نگاشت‌ها راهبردی در پیش گرفتند و از یادافزاری استفاده کردند که آن نگاشت را به خاطر می آورد و چنین می گویند: نام‌های یادافزاری نوعاً و البته نه همیشه دارای شکل حوزه مقصد حوزه مبدأ است یا حوزه مقصد به مثابه حوزه مبدأ است هستند که به آن «نام نگاشت» میگویند. به بیان دیگر: عبارتی که بیانگر استعاره‌ای مفهومی است را نام نگاشت می گویند. (Lakoff, ۱۹۹۳: ۱۹۰)

مثلاً وقتی از استعاره «عشق یک سفر است» سخن می گوئیم، نام نگاشت می شود «عشق یک سفر است». آنچه که باید دقت کنیم این است که نام نگاشت را با خود نگاشت خلط نکنیم. نگاشت مجموعه‌ای از تناظرهاست؛ بنابراین هرگاه با استفاده از یادافزاری چون «عشق یک سفر است» به استعاره‌ای رجوع می کنیم در واقع مجموعه‌ای از تناظرها را مد نظر داریم. در واقع استعاره‌ها نگاشتند، یعنی مجموعه‌ای از تناظرهای مفهومی اند. مثلاً در نام نگاشت «عشق یک سفر است»، مجموعه‌ای از تناظرها که مشخصه یک نگاشت است به شکل زیر حاصل می شود:

نگاشت عشق به مثابه سفر

- عاشقان متناظرند با مسافران.

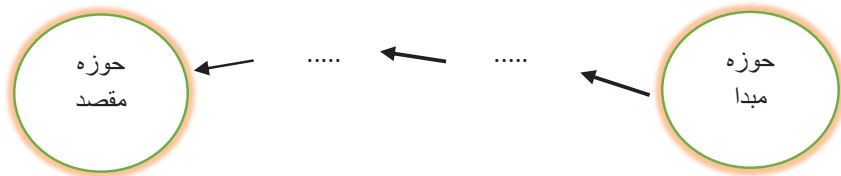
- رابطه عاشقانه متناظر است با وسیله نقلیه.

- مشکلات موجود در رابطه متناظر با موانعیست که بر سر راه سفر وجود دارد. (همان:

۱۹۰-۱۹۱)

۲-۲-۳- حوزه مبدأ و حوزه مقصد

در استعاره یک قلمرو مفهومی بر اساس قلمرو دیگر بیان می‌شود و میان دو قلمرو مفهومی متفاوت ارتباط برقرار می‌گردد، برای مثال هنگامی که گفته می‌شود «سر ساعت دو منتظرت هستم» واژه «سر» به قلمرو موجود زنده «حوزه مبدأ» تعلق دارد که به حوزه وقت «حوزه مقصد» توسعه داده شده است. حوزه مبدأ قلمرو معنای تحت‌اللفظی و حوزه مقصد قلمرو معنای استعاری است. (قائمی نیا، ۱۳۹۷ش: ۴۹-۴۸)



«نمودار ارتباط بین حوزه‌ی مبدأ و حوزه‌ی مقصد در استعاره»

۲-۳- اقسام استعاره های مفهومی

لیکاف و جانسن در کتاب استعاره‌هایی که با آن‌ها زندگی می‌کنیم (۱۹۸۰م) استعاره مفهومی را به سه دسته استعاره‌های ساختاری و جهت‌ی و وجودی تقسیم می‌کنند. از آنجا که استعاره مفهومی «آخرت دادگاه است» از نوع ساختاری است به‌طور خلاصه به تعریف استعاره ساختاری می‌پردازیم: «در استعاره‌های ساختاری مفهوم به شکلی استعاری در چارچوب مفهوم دیگری سازمان و ساختار می‌یابد.» (Lakoff & Johnson, ۲۰۰۳: ۱۵) مثلاً در عبارت استعاری «زمان طلا است.» مفهوم زمان را در ساختار مفهوم طلا می‌فهمیم.

۳- مفهوم سازی نام‌نگاشت «آخرت دادگاه است»

قرآن کریم علاوه بر عنوان آخرت از تعبیرهای متنوع دیگری نیز برای ترسیم صحنه‌های مختلف حیات اخروی بهره جسته است. شیخ عباس قمی در کتاب منازل الاخره در فصول جداگانه به بررسی عقبه‌های سخت و منزل‌های هولناک جهان اخروی پرداخته است و آن منزلگاهها را این‌گونه نام می‌برد: «مرگ، قبر، برزخ، قیامت، بیرون آمدن از قبر، میزان، حسابرسی، پرونده، صراط». (قمی، ۱۳۸۶ش: ۵-۹)

از روشن‌ترین برنامه‌های جهان آخرت حسابرسی کردن و موقف حساب است: ﴿اَقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مُّعْرِضُونَ﴾ (انبیاء/۱)؛ «مردم را وقت حسابشان نزدیک شده و آن‌ها هم چنان در غفلت و بی‌خبری روی‌گردانند.» قرآن با مفهوم‌سازی قیامت که یکی

از منزلگاه‌های حیات اخروی است در قالب نام عینی و ملموس «یوم الحساب» تصویری محسوس و قابل فهم در اذهان قبل از ورود انسان‌ها به بهشت یا جهنم ایجاد می‌کند که تصور ما را از مفهوم انتزاعی جهان پس از مرگ با کارکردهای ملموس و مستقیمی که به منازل آن از جمله قیامت نسبت می‌دهد روشن تر می‌سازد. مفهوم‌سازی قرآن از آخرت در منزل‌گاه قیامت عبور از دادگاهی را به ذهن متبادر می‌سازد که به دقت به اعمال انسان‌ها رسیدگی می‌کند که می‌توانیم با استفاده از استعاره مفهومی در قالب نام‌نگاشت «آخرت دادگاه است» به تبیین آن پردازیم.

۳-۱- نام‌های قیامت در قرآن

از منزلگاه‌های رستاخیز بزرگ آخرت «قیامت» است. در قیامت حوادث متعدد و گوناگونی رخ می‌دهد و هر کدام از این حوادث چهره‌ای از آن روز بزرگ را نشان می‌دهد. قرآن با مفهوم‌سازی قیامت در نام‌های متعدد و عینی به دنبال ترسیم دقیقی از آن روز عظیم و حوادث تکانه‌دهنده آن است تا آثار تربیتی فوق‌العاده‌ای بر جای گذارد. «در هر یک از نام‌های قیامت سری نهفته است و در هر توصیفی معنی مهمی بیان گشته باید کوشید این معانی را درک کرد و به این اسرار دست یافت.» (الکاشانی، بی تا: ۳۳۱/۸)

قرآن با زبان استعاری خود در مفهوم‌سازی جهان آخرت با تصویری که از صفحه‌های آن رستاخیز بزرگ ارائه می‌دهد گویا دست انسان را گرفته و به سیر و سفر در جهان پس از مرگ برده و حوادث عظیم و متعدد قیامت را به او نشان داده است و از آن‌جا که «استعاری بودن قرآن پیامد بسیار مهمی در معرفت دینی دارد و تعبیرها و استعاره‌های قرآن ساختار مفهومی خاصی را در آن ایجاد می‌کند.» (قائمی‌نیا، ۱۳۹۷ش: ۲۴) در ادامه به بررسی یکی از اسامی مشهور قیامت در قرآن به نام «یوم الحساب» در پرتو نظریه استعاره مفهومی می‌پردازیم تا یکی دیگر از نام‌نگاشت‌های حیات آخرت را در قرآن تبیین کرده و در انتقال معارف قرآنی گامی مؤثر برداریم.

۳-۲- یوم الحساب

از اسامی مشهور روز قیامت در قرآن «یوم الحساب» است و علت نام‌گذاری قیامت به این نام این است که: «تمامی اعمال آدمی اعم از صغیر و کبیر، جزئی و کلی، مادی و معنوی، جوارحی و جوانحی (بدنی و روحی) بدون استثناء در آن روز مورد محاسبه قرار می‌گیرد.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷ش: ۵۳/۵) در پنج آیه از قرآن مجید از «یوم الحساب» برای نام‌گذاری قیامت به کار رفته است. (عبدالباقی، ۱۳۶۴: ۲۰۱)

الگو برداری یوم الحساب برای به تصویر کشیدن قیامت در حیات آخرت را در کانون‌های استعاری آیات زیر می‌توان یافت:

- ﴿رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ﴾ (ابراهیم/۴۱): «پروردگارا من و پدر و مادرم و همه مؤمنان را در آن روز که حساب برپا می شود ببامرز.»
- ﴿وَقَالُوا رَبَّنَا عَجِّلْ لَنَا قِطْنَا قَبْلَ يَوْمِ الْحِسَابِ﴾ (ص/۱۶): «و از روی نخوت گفتند پروردگارا پیش از روز حساب هر چه زودتر سهم ما را از عذاب به ما بده.»
- ﴿... لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ﴾ (ص/۲۶): «...به سزای آن که روز حساب را از یاد برده اند عذابی سخت خواهند داشت.»
- ﴿هَذَا مَا تُوْعَدُونَ لِيَوْمِ الْحِسَابِ﴾ (ص/۵۳): «این است آنچه برای روز حساب وعده داده می شوید.»
- ﴿...لَا يُؤْمِنُ بِيَوْمِ الْحِسَابِ﴾ (غافر/۲۷): «...به روز حساب ایمان نمی آورد.»

۳-۳- دور نمایی از دادگاه آخرت

از آن جا که جهان آخرت، جهانی فرامادی و تجربه نشده و انتزاعی است مسلماً درک حقایق مربوط به آن برای ما انسان ها که در عالم ماده زندگی می کنیم امکان پذیر نیست و درک مفاهیم حاکم بر آن جهان برای ما بسیار مشکل و دور از ذهن است؛ اما همان گونه که قبلاً اشاره کردیم قرآن با ساختار استعاری خود و با استفاده از مفاهیم ملموس و فضاهای مادی بستر درک مفاهیم انتزاعی را برای مخاطبانش فراهم می آورد.

قرآن با تصویرسازی جهان آخرت در ساختار دادگاه حقایق جهان پس از مرگ را این گونه ترسیم میکند:

در آخرت همه حقایق پنهانی آشکار می شوند. همه اعضای بدن به نطق درمی آیند و اعمالی را که انجام داده اند باز گو می کنند. فرشتگان و انبیاء و اولیاء بر اعمال انسان شهادت می دهند. صحنه های قیامت تکان دهنده و بسیار وحشتناک است و همه اعمال انسان ها مورد محاسبه قرار می گیرند. آن جا دادگاه حق و عدالت است و همه حتی پیامبران در آن دادگاه حاضر می شوند و در یک لحظه به حساب همه رسیدگی می شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷ش: ۱۶۸/۶-۱۶۷)

در استعاره ساختاری «آخرت دادگاه است» با ارتباطی که میان فضاهای گوناگون مادی و معنوی برقرار می شود معرفت و جهان بینی خاص و عمیقی نسبت به حیات پس از مرگ در ذهن مخاطبان ایجاد می شود و معارف تربیتی در روح و جان انسان ها ریشه می دواند. با تأثیرات معرفتی و تربیتی دادگاه آخرت در اندیشه مخاطبان قرآنی بستر گام نهادن انسان ها در مسیر تقوا هموارتر گشته و حقایق کتاب انسان ساز قرآن بیش از پیش هویدا می گردد. دادگاه بودن آخرت زنگ خطری است در ضمیر انسان تا با مهار شهوات و تهذیب نفس همواره در جهت خودسازی خود تلاش کند.

برای تصویرسازی نام‌نگاشت «آخرت دادگاه است» با تبیین تناظرهای مفهومی میان حوزه مبدأ و مقصد در ابتدا به بیان ارکان دادگاه دنیوی که مفهومی آشنا و دور از ابهام است می‌پردازیم.

۳-۱-۳- ارکان و عوامل مهم دادگاه دنیوی

- ۱- حاکم یا قاضی که با سؤال از متهم بر طبق مدارک و شواهد حکم می‌کند.
- ۲- مجرم یا متهم که در فکر نجات و دفاع از خویش است.
- ۳- شاکی که از متهم شکایت می‌کند.
- ۴- گواهان یا شاهدان که به ضرر یا نفع متهم شهادت می‌دهند.
- ۵- پرونده اعمال که در آن اعمال مجرم یا متهم ثبت شده است. (محققان، ۱۳۸۹ش: ۱۹)
- ۶- وکیل: «آن‌که از سوی دیگران کاری به وی واگذار شود و مأمور انجام امور حقوقی از جانب دیگری شود.» (دهخدا، ۱۳۸۵ش: ۳۱۴۱/۲)

قرآن مجید با بیان استعاری و نظام‌مند خود با مفهوم‌سازی قیامت در ساختار دادگاه تصویری شفاف و ملموس از حیات فرامادی آخرت ارائه می‌دهد. با مشخص کردن قاضی، متهم، شاکی، شاهد، پرونده اعمال و وکیل در دادگاه قیامت و نشان دادن تناظرهای مفهومی از حوزه مبدأ به حوزه مقصد نگاشت احکام قلمروی مبدأ بر قلمروی مقصد صورت می‌پذیرد.

۳-۲-۳- ارکان دادگاه قیامت

۳-۲-۳-۱- حاکم یا قاضی دادگاه قیامت

آیات متعددی در قرآن آمده است که حاکمیت مطلق و بی‌قید و شرط خداوند را در قیامت اثبات می‌کنند از جمله قرآن کریم می‌فرماید: ﴿مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ﴾ (حمد/۴)؛ «او حاکم و فرمانروای روز جزاست» و نیز در سوره مبارکه حج درباره قضاوت خداوند متعال آمده است: ﴿الْمَلِكِ يَوْمَئِذٍ اللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ...﴾ (حج/۵۶)؛ «در آن روز فرمانروایی از آن خداست؛ او میانشان حکم می‌کند...»

خداوند متعال مالک و حاکم حقیقی است و رئیس محکمه دادگاه حشر است و در میان همه انسان‌ها اعم از مؤمن و کافر داوری می‌کند و خلق اولین و آخرین را برای محاکمه در دادگاه آخرت حاضر می‌نماید. (صالحی حاجی آبادی، ۱۳۸۹ش: ۱۲۷-۱۲۶) بنابراین بر اساس آیات این نتیجه حاصل می‌شود که در دادگاه آخرت خداوند که حاکم مطلق و حقیقی همه موجودات است در دادگاه عدل الهی میان انسان‌ها حکمرانی می‌کند.

۳-۳-۲-۲- مجرم یا متهم در دادگاه قیامت

قرآن کریم درباره متهمان روز قیامت می‌فرماید: ﴿فَوَرَبِّكَ لَنَسْأَلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ (حجر/۹۳-۹۲)؛ «پس سوگند به پروردگارت که همه آن‌ها را بازخواست می‌کنیم از آن‌چه انجام می‌دادند.» بر اساس این آیه خداوند بازپرس و قاضی آخرت است و همه انسان‌ها به عنوان متهم باید جوابگو باشند. امیرالمؤمنین علی (ع) در نهج البلاغه درباره حسابرسی تمام انسان‌ها در روز قیامت می‌فرماید: «وَذَلِكَ يَوْمٌ يَجْمَعُ اللَّهُ فِيهِ الْأَوْلِيَانَ وَالْآخِرِينَ لِنَقَاشِ الْحِسَابِ، وَجَزَاءِ الْأَعْمَالِ...» (شریف رضی، ۱۴۳۱ق: ۱۹۴)؛ «قیامت روزی است که خداوند تمامی انسان‌های گذشته و آینده را برای رسیدگی دقیق حساب و رسیدن به پاداش اعمال گرد آورد...»

در دادگاه بزرگ آخرت حسابرسی از همه انسان‌ها حتی پیامبران نیز صورت می‌گیرد. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: ﴿فَلَنَسْأَلَنَّ الَّذِينَ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ وَلَنَسْأَلَنَّ الْمُرْسَلِينَ﴾ (اعراف/۶۷)؛ «پس قطعاً از کسانی که پیامبران به سوی آنان فرستاده شدند خواهیم پرسید و از فرستادگان نیز خواهیم پرسید؛ هم‌چنین در قرآن درباره دقت حسابرسی آمده است: ﴿وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا﴾ (اسراء/۳۶)؛ «و چیزی را که بدان علم نداری دنبال نکن همانا گوش و چشم و دل از همه آن‌ها بازخواست خواهد شد.» طبق این آیه خداوند حتی از اعضای بدن انسان‌ها نیز سوال می‌کند و این نشان‌دهنده عظمت و دقت بودن دادگاه قیامت است.

ابن‌عاشور در توضیح این آیه می‌گوید: این یک ادبیات عالی اخلاقی و هم‌چنین یک اصلاح‌کننده ذهنی عالیست تا به امت پیام‌زده که میان اندیشه‌های ذهنی تفکیک کنند برای اینکه معلوم و مظنون و توهم با هم خلط نشوند؛ هم‌چنین یک اصلاح اجتماعی بزرگ است تا با دور کردن امت از تکیه بر ادله مبهم از ضرر و سقوط در مهالک در امان بمانند (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰ق: ۸۲/۱-۸۱)؛ بنابراین سؤال در قیامت عمومی است و از همه افراد حتی انبیا نیز پرسیده می‌شود.

۳-۳-۲-۳- شاکیان دادگاه قیامت

در روز قیامت و در دادگاه عدل در هنگام حسابرسی اعمال انسان، شاکیان هستند که از انسان شکایت دارند در این نوشتار با بررسی برخی آیات و روایات به معرفی تعدادی از این شاکیان می‌پردازیم.

۳-۳-۲-۳-۱- شکایت پیامبر

از مهم‌ترین شاکیان روز قیامت پیامبر اکرم (ص) است ایشان در روز قیامت از امت خویش شکایت کرده و طبق آیه قرآن می‌فرماید: ﴿وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا﴾ (فرقان/۳۰)؛ «پروردگارا قوم من این قرآن را رها کردند.»

۳-۳-۲-۳-۲- شکایت قرآن و مسجد و اهل بیت

از جمله شاکیان انسان در روز قیامت مسجد قرآن و اهل بیت عصمت (ع) هستند پیامبر اکرم (ص) می فرماید:

«يَجِيءُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثَلَاثَةٌ يَشْكُونَ: الْمُصْحَفُ وَالْمَسْجِدُ وَالْعِتْرَةُ...» (المجلسی، بی تا: ۷/ ۲۲۲)؛ «روز قیامت سه چیز برای شکایت از مردم به صحنه می آید: یکی قرآن، یکی مسجد و دیگری اهل بیت.»

۳-۳-۲-۳-۳- شکایت مظلوم

یکی دیگر از شاکیان دادگاه قیامت مظلوم است. فرد مظلوم در روز قیامت از ظالم شکایت می کند و در دادگاه قیامت ظالم را رها نمی کند تا حق خود را بگیرد. پیامبر اکرم (ص) در این باره می فرماید: «... إِذَا تَعَلَّقَ الْمَظْلُومُونَ بِالظَّالِمِينَ»؛ «... آنگاه که ستمدیدگان دامان ستمکاران را بگیرند.» (پاینده، بی تا: ۳۷۴)

۳-۳-۲-۴- شاهدان دادگاه قیامت

در هر دادگاهی بعد از شکایت شاکیان نوبت به گواهی دادن شاهدان می رسد. در دادگاه قیامت نیز پس از آن که شاکیان شکایت خود را بر متهم عرضه کردند شاهدان به ارائه شهادت خود بر اعمال انسان در دنیا می پردازند. دادگاه قیامت گواهان زیاد و متعددی دارد که از جمله طبق آیاتی که در ادامه می آید به ترتیب میتوان به شهادت خداوند متعال، پیامبر اکرم (ص) و ملائکه و حتی اعضای بدن انسان اشاره کرد:

- ﴿فَلْيَقْضَنَّ عَلَيْهِمْ بِعِلْمٍ وَمَا كُنَّا غَائِبِينَ﴾ (اعراف/۷)؛ «و بی شک داستانشان را از روی علم برای آن ها نقل خواهیم کرد و ما از احوال آن ها غایب نبوده ایم.»
- ﴿فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا﴾ (نساء/۴۱)؛ «پس چگونه است آن گاه که از هر امتی گواهی بیاوریم و تو را بر اینان گواه آوریم؟»
- ﴿وَجَاءَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَشَهِيدٌ﴾ (ق/۲۱)؛ «و هر کسی همراه یک مأمور سوق دهنده و یک شاهد بیاید.»
- ﴿يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ (نور/۲۴)؛ «در روزی که زبان و دست و پای ایشان بر اعمال آن ها گواهی دهد.»

۳-۳-۲-۵- پرونده اعمال

در قرآن کریم از نامه اعمال انسان در روز قیامت با تعبیر مختلفی یاد شده است. در برخی آیات تعبیر به «کتاب» و برخی تعبیر به «زبر» و برخی نیز تعبیر به «طائر» کرده اند:

﴿وَوُضِعَ الْكِتَابُ...﴾ (کهف/۴۹)؛ «و کتاب در آنجا گذارده می شود...»

﴿وَكُلُّ شَيْءٍ فَعَلُوهُ فِي الزُّبُرِ﴾ (قمر/۵۲)؛ «و هر چه کرده‌اند در نامه های اعمال ثبت است.»
 ﴿وَكُلُّ إِنْسَانٍ أَلْزَمَانُهُ طَائِرَةٌ فِي عُنُقِهِ...﴾ (اسراء/۱۳)؛ «و کارنامه هر انسانی را به گردنش
 آویخته‌ایم...»

بنابراین طبق آیات مفهوم سازی تعابیر «کتاب» و «زیر» و «طائر» درباره پرونده اعمال انسان
 در دادگاه قیامت دانسته می شود.

۳-۳-۲-۶- وکلای دادگاه قیامت

در حدیث آمده است که ائمه اطهار (ع)، وکلای انسان در روز قیامت هستند هم چنان که
 امام صادق (ع) می فرماید: «إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ وَكَلَّنَا اللَّهُ بِحِسَابِ شِيعَتِنَا...» (الطوسی، ۱۴۱۴ق:
 ۴۰۶) «چون روز قیامت شود حق تعالی ما را وکالت دهد بر حساب شیعیانمان...»

۳-۴- نگاشت استعاره مفهومی «آخرت دادگاه است»

از آن جا که مفهوم انتزاعی و مجرد آخرت در قرآن در قالب مفهوم ملموس و مادی دادگاه
 که یک حوزه آشنا و قابل درک برای مخاطب است ساختار می یابد از نظر نوع استعاره
 میتوان استعاره مفهومی «آخرت دادگاه است» را استعاره ای ساختاری دانست. در این استعاره
 ساختاری حوزه مقصد «آخرت» است که امکان درک آن از طریق حوزه مبدأ «دادگاه» فراهم
 می شود و بر این اساس نگاشت مفاهیم حوزه «دادگاه» بر مفاهیم حوزه «آخرت» رخ می دهد
 از این رو می توان نام نگاشت «آخرت دادگاه است» را با مجموعه ای از تناظرهای نظام مند
 بین عناصر سازهای حوزه مبدأ و مقصد این گونه نشان داد:

«نمودار نگاشت حوزه مبدأ بر حوزه مقصد»

«آخرت دادگاه است»



۳-۴-۱- تناظرهای نظام مند در نام نگاشت «آخرت دادگاه است»

همان گونه که گفتیم در قرآن برای درک ارزشمندی مفهوم انتزاعی حوزه مقصد یعنی «آخرت» از مفهوم تجربی «دادگاه» استفاده شده است. با تبیین ارکان دادگاه و بررسی آیات به روش پژوهشگران شناختی چگونگی درک استعاره مفهومی «آخرت دادگاه است» را در قالب پدیده‌ای به نام «نگاشت» نشان دادیم. در این نگاشت مؤلفه‌های حوزه مفهومی «آخرت» با مؤلفه‌های حوزه مفهومی «دادگاه» در انطباق است و بدین گونه مفهوم مجرد و فرامادی جهان آخرت در ساختار دادگاه بهتر و بیشتر شناخته می‌شود. بر اساس این نگاشت مجموعه‌ای از تناظرهای نظام مند که مشخصه اصلی یک نگاشت است به شکل زیر حاصل می‌شود:

نگاشت آخرت به مثابه دادگاه

- خداوند متناظر است با حاکم یا قاضی.
 - همه انسان‌ها متناظرند با مجرم یا متهم.
 - پیامبر (ص)، قرآن، مسجد، اهل بیت: و مظلوم متناظرند با شاکی.
 - خداوند، پیامبر (ص)، ملائکه و اعضای بدن انسان متناظرند با شاهد.
 - کتاب و زبر و طائر متناظرند با پرونده اعمال.
 - امامان معصوم (ع) متناظرند با وکیل.
- استخراج این تناظرها با تأمل در استعاره مفهومی «آخرت دادگاه است» می‌تواند گامی باشد در جهت شناخت بیشتر حیات اخروی و زنگ خطری باشد برای انسانی که معتقد به معاد است تا بدانند در دادگاهی حاضر خواهد شد که حتی اعضای بدنش نیز اعمالش در دنیا را بازگو می‌کنند و خداوند به عنوان حاکم مطلق آن دادگاه به عدل در میان همه انسان‌ها حکمرانی می‌کند.

نتیجه گیری

- قرآن به عنوان یکی از برجسته‌ترین متون مذهبی سرشار از مفاهیم استعاری است. در زبانی که خداوند برای متن قرآن در نظر گرفته است مفاهیم استعاری و انتزاعی و مجرد در قالب مفاهیم ملموس و عینی و قابل فهم تصویرسازی می‌شوند و همین مسئله سبب درک بهتر متن قرآن و محسوس و ملموس شدن عبارات و مفاهیم ماورائی آن می‌شود.
- حیات آخرت به عنوان جهان پس از مرگ از جمله مفاهیم فرامادی و ناملموسی است که تصور و درک آن مستلزم برقراری ارتباط استعاری میان این مفهوم و مفاهیم عینی و تجربی است. در پرتو نظریه استعاره مفهومی با برقراری ارتباط و انسجام میان حوزه مبدأ که مفهومی محسوس و مادی است با حوزه مقصد که در اینجا حیات آخرت است و مفهومی نامحسوس

و انتزاعی دارد راه برای درک مفاهیم ماورائی و متافیزیکی حیات اخروی هموار می‌شود.

- استعاره‌های قرآن هر کدام کلیدی برای کشف مفاهیم انتزاعی دینی و کشف جهان‌بینی اسلامی محسوب می‌شوند. در زبان قرآن مفهوم انتزاعی حیات اخروی به اشکال مختلفی برای انسان مفهوم‌سازی شده‌است. از جمله تصویرسازی‌هایی که قرآن کریم در کانون استعاری آیات مربوطه برای حیات آخرت به تصویر کشیده‌است مفهوم‌سازی حیات آخرت در ساختار دادگاهی است که با حاکمیت مطلق خداوند متعال به دقت به اعمال انسان‌ها رسیدگی می‌کند.

- مفهوم‌سازی آخرت در ساختار دادگاه منجر به تولید نام‌نگاشت «آخرت دادگاه است» می‌شود. استعاره مفهومی «آخرت دادگاه است» از نوع استعاره مفهومی ساختاری است و «دادگاه» که ساختار ملموس و تجربی و قابل فهم دارد به عنوان حوزه مبدأ و «آخرت» که مفهومی مجرد و ماورائی است به عنوان حوزه مقصد در نظر گرفته می‌شود و از این طریق امکان درک بهتر و بیشتر حیات فرامادی آخرت فراهم می‌شود.

- در استعاره مفهومی «آخرت دادگاه است» مجموعه‌ای از تناظرهای نظام‌مند بین عناصر سازه‌ای قلمروی مبدأ و مقصد صورت می‌گیرد:



- خداوند متناظر با قاضی است.
 - همه انسان‌ها متناظر با متهم هستند.
 - پیامبر (ص) متناظر با شاکی است.
- و ...

- مفهوم سازی و تحلیل دقیق نام‌نگاشت «آخرت دادگاه است» باعث فهم بهتر جهان پس از مرگ می‌شود. با این تصویرسازی‌های منسجم و دقیق و نظام‌مند قرآن کریم از حیات اخروی جهانی از اندیشه به روی مخاطبان قرآنی گشوده می‌شود تا با فهم بهتر و ملموس‌تر وقایع عالم پس از مرگ با تغییر در سبک زندگی دنیوی به دنبال کسب معارف و اعمال صالح و توشه اندوزی برای صحنه‌های دادخواهی دادگاه بزرگ آخرت باشند تا بتوانند در برابر قضاوت خداوند عادل و شهادت شهود و شکایت شاکیان، پرونده اعمالی عاری از خطا و گناه ارائه دهند.

کتابنامه

- قرآن کریم.
- پاینده، ابوالقاسم (بی تا): «نهج الفصاحه»، بی جا، کتابخانه مدرسه فقهات، ناشر: دنیای دانش.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۵ش): «لغتنامه فرهنگ متوسط دهخدا»، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- ریکور، پل (آذر ۱۳۸۶): «استعاره و ایجاد معانی جدید در زبان»، ترجمه حسین نقوی. مجله معرفت، سال ۱۶، ش ۱۲۰، صص ۹۴_۸۱.
- صالحی حاجی آبادی، نعمت الله (۱۳۸۹ش): «انسان از حشر تا دادگاه قیامت»، قم: گلهای بهشت. چاپ هشتم.

- قائمینیا، علیرضا (۱۳۹۷ش): «استعاره‌های مفهومی و فضا‌های قرآن»، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ دوم.
- قمی، شیخ عباس (۱۳۸۶ش): «منازل الآخرة»، قم: مؤسسه انتشارات ائمه، چاپ پنجم.
- کوچسوس، زولتان (۱۳۹۴ش): «استعاره در فرهنگ»: ترجمه نیکتا انظام، تهران: انتشارات سیاه‌رود، چاپ اول.
- محققیان، رضا (۱۳۸۹ش): «داد یا دادگاه قیامت»، قم: اکرام.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۷ش): «پیام قرآن (تفسیر نمونه موضوعی)»، تهران: دارالکتب اسلامی، چاپ پنجم.
- ابن عاشور، محمد طاهر (۱۴۲۰ق): «التحریر و التنویر»، لبنان: موسسه التاريخ العربی، الطبعة الأولى.
- البوعمرانی، محمد الصالح (۲۰۰۹م): «دراسات نظریة و تطبيقیة فی علم الدلالة العرفانی»، تونس- صفاقس: دارنهی، الطبعة الأولى.
- الطوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق)، «الأمالی»، قم: دارالتقافه.
- عبدالباقی، محمدفؤاد (۱۳۶۴ق): «المعجم المفهرس»، القاهرة: دارالکتب المصریة.
- شریف رضی، ابوالحسن محمد بن الحسین (۱۴۳۱ق): «نهج البلاغة (هو مجموع ما اختاره الشریف الرضی من کلام سیدنا امیر المؤمنین علی بن ابي طالب ع)»، قم: موسسه الرافد للمطبوعات، الطبعة الاولى.
- الکاشارنی، محمد بن المرتضی المدعو بالمولی محسن (لاتاریخ): «المحجّة البیضاء فی تهذیب الإحیاء»، طهران: مکتبه الصدوق.
- المجلسی، محمدباقر (لاتاریخ): «بحار الانوار»، بیروت- لبنان: موسسه الوفاء دارالاحیاء الكبرى.
- Barcelona, Antonio. (2003). *Metaphor and Metonymy at the Crossroads: A Cognitive Perspective*. Berlin: Mouton de Gruyter.
- Evans, Vyvyan & Green, Melanie. (2006). *Cognitive Linguistic: an introduction*. Edinburgh University Press.
- Grady, J. E. (2007). "Metaphor" in Geeraerts, D. and Cuyckens, H (ed). *The Oxford Handbook of Cognitive Linguistics*. New York: Oxford University Press, pp.188-213.
- Kövecses, Zoltan. (2010). *Metaphor: A Practical Introduction*. New York: Oxford University Press. Second Edition.
- Lakoff, G. (1993), "The contemporary theory of metaphor", In Geeraerts, Dirk (Ed.). (2006) *Cognitive linguistics: basic readings (Cognitive linguistics research; 34)*. Mouton de Gruyter Berlin, New York, pp. 185-238.
- Lakoff, George & Johnsen Mark. (2003). *Metaphors we live by*. Chicago: The University Of Chicago Press.

Bibliography

- The Holy Quran.
- Payandeh, Abolqasem (Bi-Ta): "Nahj al-Fasahah", Misplaced, Fafaqt School Library, Publisher: World of Knowledge.
- Dehkhoda, Ali Akbar (2006): "Dehkhoda Medium Dictionary", Tehran: Institute of Publications and Printing, University of Tehran.
- Rikor, Paul (December 2007): "Metaphor and creation of new meanings in language", translated by Hossein Naghavi. *Marefat Magazine*, 16, No. 120, pp. 81_94.

- Salehi Hajiabadi, Nematollah (2010 OR 2010): "Man from Hashr to the Court of the Resurrection," Qom: Flowers of Heaven. 8th edition.
- Ghaemina, Alireza (2018): "Conceptual Metaphors and Spaces of the Qur'an", Tehran: Islamic Culture and Thought Research Institute Publications Organization, 2nd edition.
- Qomi, Shaykh Abbas (2007): "Houses of Al-Akhara", Qom: Imama Publications Institute, 5th edition.
- Kuchess, Zoltan (2015): "Metaphor in Culture": Translated by Nikta Entezam, Tehran: Siahroud Publications, 1st edition.
- Scholars, Reza (2010): "Dad or the Trial of the Resurrection," Qom: Ekram.
- Makarem Shirazi, Nasser et al. (1998 or 1998): "Message of the Qur'an (Exegesis of the Matic Example)," Tehran: Dar al-Katab Islamiyah, 5th edition.
- Ibn Ashour, Mohammed Taher (1200C): "Liberation and Enlightenment", Lebanon: The Arab Tarekh Mousse, First Edition.
- Bouamrani, Mohamed Al-Saleh (2009): "Theoretical and Applied Studies in Customary Semantics", Tunisia_Sfax: Darnhi, First Edition.
- Tusi, Mohammed bin Hassan (1177), "Amali", Qom: Dar al-Culture.
- Abdul Baqi, Mohammed Fouad (1375C): "Indexed Dictionary", Cairo: Egyptian House of Books.
- Sherif Radhi, Abu Al-Hassan Mohammed bin Al-Hassein (1431 A.D.): "The approach of rhetoric (is the sum of what Sharif al-Radhi chose from the words of our Master, The Prince of believers, Ali bin Abi Talib A)," Qom: Musasa al-Rafid Publications, First Edition.
- Al-Kashani, Mohammed bin Al-Murtada, called Mawla Mohsen (Latarich): "The white argument in the lullaby of the ehéa", Tehran: the book of the saduk.
- Majlisi, Mohammed Bagir (History): "Bahr al-Anwar", Beirut_Lebanon: The Foundation of Loyalty to the Great House of Modesty.
- Barcelona, Antonio. (2003). Metaphor and Metonymy at the Crossroads: A Cognitive Perspective. Berlin: Mouton de Gruyter.
- Evans, Vyvyan & Green, Melanie. (2006). Cognitive Linguistic: an introduction. Edinburgh University Press.
- Grady, J. E. (2007). "Metaphor" in Geeraerts, D. and Cuyckens, H (ed). The Oxford Handbook of Cognitive Linguistics. New York: Oxford University Press, pp.188-213.
- Kövecses, Zoltan. (2010). Metaphor: A Practical Introduction. New York: Oxford University Press. Second Edition.
- Lakoff, G. (1993), "The contemporary theory of metaphor", In Geeraerts, Dirk (Ed.). (2006) Cognitive linguistics: basic readings (Cognitive linguistics research; 34). Mouton de Gruyter Berlin, New York, pp. 185-238.
- Lakoff, George & Johnsen Mark. (2003). Metaphors we live by. Chicago: The University Of Chicago Press.